

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با فرهنگ کار و قانون‌گرایی از دیدگاه اسلام

مدیریت مطالعات و تحقیقات
حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی

سرشناسه	: میقاتی، رضا، ۱۳۳۵
عنوان و نام پدیدآور	: آشنایی با فرهنگ کار و قانون گرایي از دیدگاه اسلام / رضا میقاتی
مشخصات نشر	: تهران: اسرار علم، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۶ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۱-۱۸-۷-۰۰۰۰۴ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	:
موضوع	:
موضوع	:
رده بندی کنگره	:
رده بندی دیویی	:
شماره کتابشناسی ملی	:

آشنایی با فرهنگ کار و قانون گرایي از دیدگاه اسلام

نویسنده : رضا میقاتی

صفحه آرایی : مؤسسه فرهنگی هنری طنین واژه هنر

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۳

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ : صادق

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۹۱-۱۸-۷-۰۰۰۰۴

قیمت : ۰۰۰۰۴ ریال

تهران، میدان فاطمی، خیابان شهید گمنام، کوچه ۲/۱، پلاک ۹۲

۸۸۹۶۰۳۴۹ - ۸۸۹۷۳۵۳۱

فهرست

۷	پیش‌گفتار
---	-----------------

فصل اول : اهمیت کار در اسلام

۹	تعریف کار
۱۰	کار در اسلام
۱۱	کار و عمل از دیدگاه قرآن
۱۴	کار و عمل از منظر روایات
۱۶	حکمت و فواید کار در سخنان امام صادق (ع)
۱۷	ارزش کار کارگزاران
۱۹	مقام کارگر در اسلام
۲۰	عمل و کار، نه آرزو و پندار
۲۱	نکوهش بی‌کاری و تنبلی
۲۵	بی‌گاری بهتر است از بی‌کاری

فصل دوم : نقش‌های تربیتی کار

۲۷	اهمیت گره‌گشایی از کار مردم
۲۸	کار و بهداشت روانی
۲۹	کار و تلاش، مقیاس ارزش انسان
۳۰	هر که کارش بیش اجزش بیشتر
۳۰	رمز موفقیت یک انسان پر تلاش
۳۲	استحکام و اتقان عمل و محکم‌کاری

۳۴ سپردن کار به دست متخصصان
۳۷ خالص بودن عمل و کار برای خدا
۳۸ عشق ورزیدن به کار
۳۹ استمرار و استقامت در کار
۴۰ زیان‌های بی‌کاری

فصل سوم : قانون‌مداری در اسلام

۴۲ قانون‌مداری
۴۵ منشأ قانون در نظام اسلامی
۴۷ پیشگامی مسئولان در عمل به قانون
۴۸ همه در برابر قانون برابرند
۵۰ پیروی از بالا دست در ادارات در محدوده قانون
۵۱ انضباط داشتن و پرهیز از سلیقه‌گرایی

۵۴ منابع
----	-------------

پیش‌گفتار

کار یکی از ارزش‌های زندگی انسان و لذتی مادی و معنوی محسوب می‌شود. مسائل معنوی مانند توکل هیچ‌گاه جای کار را نمی‌گیرد بلکه در حال توکل داشتن به خداوند نیز باید در زندگی کار و تلاش کرد.

از طرفی کار فقط ابزار رفاه اقتصادی نیست، بلکه در عنصر کار خواصی نهفته است که بدون آنها زندگی بشر هیچ ارزشی ندارد. کار، حیات‌بخش و نشاط‌آور است و لذت بخش و روح افزا.

کار به انسان آبرو و شرف می‌دهد و ارزش آدمی را زیاد می‌کند. کار نیک همراه با اخلاص بهشت آفرین و تبهکاری جهنم ساز است و در یک جمله کار مقدس و برترین عبادت برای انسان است. ارزش کار نه تنها در دنیا بلکه در آخرت نیز برای انسان آشکار می‌شود. در نهایت، کار جوهره وجود انسان است.

در این نوشتار این بحث حیاتی را از دیدگاه قرآن و روایات و سخنان بزرگان مورد کنکاش قرار داده‌ایم، چه آنکه با رعایت قوانین و پرهیز از سلیقه‌گرایی در انجام کارهای اداری امور در مسیر خود قرار می‌گیرد و نظام اداری ما از پویایی برخوردار می‌گردد.

فصل اول : اهمیت کار در اسلام

تعریف کار

در فرهنگ‌های لغت کار به معنای شغل و پیشه و نیز به معنای فعل یا مطلق انجام دادن آمده است. برخی دایرهٔ آن را محدودتر گفته‌اند. کار عبارت است از فعلی که با مشقت و سختی صورت پذیرد یا گفته‌اند کار آن است که به خدا نسبت داده نشود. راغب اصفهانی می‌گوید: «هر فعلی که با اراده از حیوان صادر گردد کار نامیده می‌شود»^۱.

بنابراین می‌توان گفت: کار عبارت است از حرکت تمام بدن یا قسمتی از آن و گاهی به حرکت‌های قلبی و درونی همانند فکر کردن نیز کار می‌گویند. در کار، ایجاد عمل مانند گفتار و قول یا رفتار و ظاهر بدن یا اعمال قلب و باطن نهفته است، ولی معمولاً کار با فعالیت‌های ظاهر بدن تناسب بیشتری دارد.

۱ - معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

در علم اقتصاد هم کار دومین عنصر تولید معرفی شده و به عنوان یکی از آثار حیات انسان و از شئون ضروری زندگی او به شمار می‌رود.^۱ برخی از اقتصاددانان می‌گویند: به هر کوششی که انسان از روی قصد و اراده انجام دهد و هنگام تلاش احساس ناراحتی کرده و منظورش تولید چیزهایی باشد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازمندی‌های او را برطرف نماید، کار گویند.^۲ پس کار در نظر اقتصاد دانان سه ویژگی دارد:

۱- تکاپو و تلاشی است که از روی اختیار و اراده انجام گیرد؛ ۲- برای کارگر ایجاد مشقت و ناراحتی نماید؛ ۳- منظور از آن تولید ثروت باشد.

جامعه‌شناسان نیز کار را این‌گونه تعریف کرده‌اند: کار عبارت است از مجموعه اعمالی که انسان به کمک مغز، دست، ابزارها و ماشین‌ها در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات انجام می‌دهد و در مقابل بر انسان تأثیر می‌گذارد.^۳

کار در اسلام

در اسلام، کار به تلاش و کوششی گفته می‌شود که در مقابل آن، مال و پول قرار می‌گیرد؛ لذا فقیهان مسلمان قاعده معروف «محترم بودن عمل مسلمان» را بر همین معنا بنا گذاشته‌اند و منظورشان این است که عمل و کار مسلمان محترم است و در صورتی که تلف گردد موجب ضمان خواهد

۱ - موجز در علم اقتصاد، ص ۸.

۲ - دروس فی الاقتصاد السياسي، ص ۲۰.

۳ - جامعه‌شناسی کار و شغل، ص ۱۰.

بود لذا اگر کارگری را اجیر کردی باید اجرت او را بپردازی و تلاش او را پاسخ گویی و حق او را تضییع نکنی. خلاصه، آنکه کار از نظر اسلام محترم است و در برابر آن مزد قرار می‌گیرد مگر اینکه آن کار حرام باشد. در اسلام گاهی کار به چیزی گفته می‌شود که برای انسان مسئولیت ایجاد می‌کند و باعث ضمان می‌شود، در این صورت فرقی میان کم یا زیاد یا عاقل و دیوانه نیست و قصد ضرر زدن هم در آن اعتبار ندارد.

کار و عمل از دیدگاه قرآن

اساس و روح دعوت اسلام و قرآن کار و تلاش بوده و کار جزء جدا ناشدنی فرهنگ قرآنی است. قرآن از این مفهوم به «عمل صالح» تعبیر نموده است و تنها امتیاز مردم از منظر قرآن عمل شایسته و تقوا است که آن هم با کار و کوشش به دست می‌آید. قرآن کریم انسان‌های با ایمان را دعوت به عمل شایسته و نیکو و خیر نموده است:

«هر کس از مرد و زن با ایمان کار نیکو انجام دهد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کارشان به آنان می‌دهیم».^۱

«کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته انجام داد امید است که از رستگاران باشد».^۲

۱ - «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». سوره نحل (۱۶) آیه ۹۷.

۲ - «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ». سوره قصص (۲۸) آیه ۶۷.

«و آنان که با ایمان نزد او آیند و کارهای شایسته انجام دهند دارای درجاتی والا باشند»^۱.

مفهوم کار از نظر قرآن گسترده و فراگیر است و کارهای دنیوی به قصد کسب جهان آخرت را نیز شامل می‌شود. برای انسان جز حاصل سعی و تلاش او چیزی نیست: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲. در برخی تفاسیر آمده است: سعی در اصل به معنای راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده ولی غالباً به معنای تلاش و کوشش به کار می‌رود، چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می‌دهد، خواه کار خیر باشد یا بد و جالب اینکه نمی‌فرماید: بهره‌آ انسان کاری است که انجام داده بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده و این اشاره است به اینکه مهم تلاش و کوشش است، اگرچه انسان احياناً به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیت او خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، زیرا خدا خریدار نیت‌ها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده.

اگرچه این آیه ناظر به جهان آخرت است و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر، ولی ملاک و معیار آن، دنیا را نیز در برمی‌گیرد؛ به این معنا که افراد با ایمان نباید به انتظار دیگران بنشینند که برای آنها کار کنند و مشکلات جامعه آنان را حل نمایند بلکه خود دامن همت به کمر زده به سعی و تلاش برخیزند، پس آیه یک حکم مسلم عقلی را بیان می‌کند و به

۱ - «وَ مَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى». سوره طه (۲۰) آیه ۷۵.

۲ - سوره نجم (۵۳) آیه ۳۹.

تلاش‌های دنیوی تعمیم دارد و پیرو آن پاداش و کیفرهای دنیوی را نیز شامل می‌شود.

این آیه با قانون ارث و زکات و اجاره منافات ندارد که انسان‌ها تلاش خود را به حکم خدا در اختیار دیگران قرار دهند.^۱ در قرآن حدود ۳۶۰ آیه راجع به کار با عنوان عمل، کسب و سعی آمده است.

قرآن افراد را به کار کردن تشویق می‌کند:

«تلاش شما مورد سپاس و پاداش است».^۲

«چهره‌هایی در روز قیامت شاداب باشند و از کوشش خویش خرسند».^۳

قرآن کار را به عنوان سنتی در تکوین و تشریح معرفی می‌کند:

«خداوند شما را از زمین پدیدار ساخت و خواست تا آن را آباد کنید».^۴

«روز را هنگام کار و جنب و جوش قرار داد».^۵

در آیه دیگر برای ارزش و اهمیت کار کلمه «کسب» را به کار برده است:

«برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از

آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است».^۶

قرآن کار را در سنت تشریح خود نیز معرفی کرده است:

«چون نماز [جمعه] برگزار شد در زمین پراکنده شوید و در پی به

۱ - تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۵۰.

۲ - «وَ كَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا». سوره انسان (۷۶) آیه ۲۲.

۳ - «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةً». سوره غاشیه (۸۸) آیه ۸ - ۹.

۴ - «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا». سوره هود (۱۱) آیه ۶۱.

۵ - «وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا». سوره فرقان (۲۵) آیه ۴۷.

۶ - «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَإِلِّلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا». سوره نساء (۴) آیه ۳۲.

دست آوردن نعمت خدا باشید»^۱.

و در آیه دیگری فرموده:

«تا از میوه و حاصل آنچه با دست خود انجام داده‌اند، بخورند»^۲.

کار و عمل از منظر روایات

در روایات کار نیرومندترین عامل تولید و مهمترین پایه کسب ثروت است. پیشوایان دین کار و تلاش برای امر معاش و گذران زندگی را نه تنها امری دنیاپرستانه و مورد سرزنش نمی‌دانند بلکه آن را امری مقدس، خداپسندانه و عبادتی بزرگ بر شمرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«از دسترنج خود روزی بخورید»^۳.

حضرت در روایت دیگر فرمود:

«به دست آوردن روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است»^۴.

از آن حضرت پرسیده شد:

«کدام کسب انسان پاکیزه‌تر است؟ فرمود: کار کردن مرد با دست خود»^۵.

علی (ع) می‌فرماید:

«برای هر زمان کاری است»^۶.

۱ - «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ». سوره جمعه (۶۲) آیه ۱۰.

۲ - «لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ». سوره یس (۳۶) آیه ۳۵ و ۳۶.

۳ - «كُلُوا مِنْ كَدِّ أَيْدِيكُمْ». بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۱۴.

۴ - «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». همان، ج ۱۰۳، ص ۹.

۵ - «أَيَّ كَسْبِ الرَّجُلِ أَطْيَبُ؟ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ». تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۲، ص ۳۸۰.

۶ - «فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ». غررالحکم، ص ۲۲۵.

رسول خدا (ص) می فرماید:

«هر کس از دسترنج خود بخورد مانند برق سریعاً از پل صراط خواهد گذشت (و وارد بهشت می شود و سعادت مند خواهد شد)».

در آموزه های دینی کارگر دوست خداوند لقب گرفته و بسیار مورد ستایش است. در مقابل، گوشه گیری و تنبلی و سستی مذمت و با آن به شدت مبارزه شده است. اسلام رهبانیت و کناره گیری از اجتماع را جایز نمی داند. حضرت علی (ع) خود کار می کرد و می فرمود:

«آیا به این اکتفا کنم که مرا امیرالمؤمنین بخوانند ولی با رعیت خود در رنج و مشقت های زندگی تشریک مساعی و همدردی نکنم.»^۱
و این شعر منسوب به آن حضرت است:

«کشیدن سنگ های گران از قلله های کوه نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب تر است. مردم به من می گویند کار برای تو عیب است و حال آنکه عیب آن است که انسان دست پرشش و سؤال نزد مردم دراز نماید.»^۲

از طرفی تنها وسیله آباد کردن زمین و استخراج ذخایر و ثروت های آن و نیز نخستین وسیله تضمین معیشت و گردش چرخ زندگی انسان کار است. اگر تلاش و کوشش آدمی در راه تأمین زندگی نبود نمی توانست بر زمین زندگی کند. دانشمندان علم اقتصاد هم می گویند: اگر زمین به حال خود رها شود طولی نمی کشد که می خشکد و به کویری تبدیل می شود و بهره تولیدی از آن به عمل نمی آید. این بشر است که با استعداد خاص و ابزار منحصر به فرد توانست با هدایت آب های روی زمین و استخراج معادن

۱ - نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲ - دیوان آن حضرت.

و کار روی آنها چهره زمین را عوض کند.

حکمت و فواید کار در سخنان امام صادق (ع)

بخشی از سخنان امام صادق (ع) با مفضل بن عمر که به توحید مفضل معروف است پیرامون حکمت خداوند در نیازمند ساختن بشر به کار و تلاش برای تأمین نیازمندی‌های زندگی خویش است. حضرت به مفضل می‌فرماید:

«ای مفضل! از چیزهایی عبرت بگیر که برای رفع نیازمندی‌های آدمی آفریده شده و تدبیرهایی در آنها به کار رفته است؛ دانه برای خوراک او آفریده شده لیکن آرد کردن و خمیر کردن و پختن آن به عهده خود انسان گذاشته شده است. گُرک و پشم برای پوشش او آفریده شده ولی زدن و بافتن و بافتن آن تکلیف خود اوست. درخت برای او آفریده شد، اما نشانیدن و آب دادن و مراقبت و رسیدگی به آن کارهایی است که خود باید بکند. گیاهان دارویی برای درمان او آفریده شده، لیک چیدن و ترکیب کردن و ساختن دارو از آنها به خود او واگذار شده است. نیز دیگر چیزها را به همین گونه خواهی یافت، پس بنگر که چگونه آنچه را انسان خود نمی‌توانسته است پدید آورد خداوند پدید آورده است لیکن در هر یک از آنها جای کار و کوشش باقی گذاشته است، زیرا صلاح آدمی در همین چگونگی بوده است. چون اگر این کار نیز از عهده انسان برداشته می‌شد و برای او هیچ کار و شغلی نمی‌ماند انسان از ناسپاسی و سرمستی چنان می‌شد که زمین نمی‌توانست تحملش کند و سرانجام به کارهایی دست می‌زد که به تلف شدن او منجر می‌گشت. در واقع اگر همه نیازمندی‌های مردمان (بی‌کوشش و کار و زحمتی) در اختیار ایشان می‌بود زندگی دیگر گوارا نمی‌شد و از آن لذتی برای هیچ کس فراهم نمی‌آمد. آیا ندیده‌ای که اگر کسی مهمان گروهی شود و مدتی

بماند و همه آنچه می‌خواهد از خوراک و پوشاک و پذیرایی در اختیارش باشد از بی‌کاری خسته و ملول می‌گردد و دلش می‌خواهد خودش را به چیزی مشغول سازد؟! پس بر این قیاس کن که اگر آدمی تمام هرچه می‌خواست را در اختیار می‌داشت به چه رنجی گرفتار می‌شد.^۱

بنابراین حسن تدبیر در چیزهایی که برای انسان آفریده شد در آن است که جایی برای کار آدمی در آنها باقی مانده است تا هم از بی‌کاری دلگیر نشود و هم او را از پرداختن به چیزهایی باز دارد که یا به دست نمی‌آید یا به خیر و صلاح او نیست.^۲

ارزش کار کارگزاران

اقتصاد هر مملکتی متوقف بر کار است. کار تولیدی - کشاورزی و صنعتی - و خدماتی در اسلام اهمیت زیادی دارد. علی (ع) می‌فرماید: «به حرفه و شغلی با عفت و حلال مشغول بودن بهتر است از داشتن ثروتی که با گناه همراه باشد».^۳

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«کسی که برای تأمین زندگی خود زحمت و رنج می‌کشد همچون

مجاهد در راه خداست».^۴

۱ - بحارالانوار، ج ۳، توحید مفضل، ص ۸۶.

۲ - الحیاء، ج ۵، ص ۴۲۵.

۳ - الحرفه مع العفة خیر من الغنی مع الفجور». نهج البلاغه، کلمه ۹۳۰؛ نهج البلاغه، عبده

مصری، ج ۳، ص ۵۸.

۴ - «لکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله». مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۴.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«صدقه و گرفتن زکات بر کسی که دارای حرفه و شغل است حلال نیست و شخص سالم نیرومند نیز نباید صدقه بگیرد، پس از گرفتن آن دوری جوئید»^۱

امام کاظم (ع) نیز می‌فرماید:

«آن کس که روزی حلال طلب کند تا به مصرف خود و نانخوران خود برساند همچون کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند»^۲

اما کارهای خدماتی نیز اهمیت بسزایی در اسلام دارد تا جایی که می‌توان گفت عبادتی بالاتر از خدمت به جامعه نیست. پاداش و ثواب کار خدماتی از نماز شب، روزه مستحبی و حج مستحبی و حتی از جهاد در راه خدا بالاتر است. در روایتی آمده است:

«برآوردن نیاز مردم مساوی با هفتاد حج مقبول است»^۳

و این روش و سیره پیامبر و امامان معصوم (ع) بوده است. سعی و کوشش پیامبر (ص) این بود که گره‌ای از کار مسلمانی باز نکند. اگر علی (ع) گره‌ای از کار مسلمانی می‌گشود برایش از به جا آوردن نماز شب خوشحال‌کننده‌تر بود. از سیره آنان استفاده می‌شود که بی‌تفاوت بودن به کار مسلمانان به اندازه‌ای برای آن بزرگواران ناراحت‌کننده و غم‌انگیز بود که حتی اگر فرزندشان از دنیا می‌رفت آن اندازه ناراحت نمی‌شدند.

۱ - «ان الصدقة لاتحل لمحترف و لا لذی مرة سوى قوی فتنزها عنها». وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۹.

۲ - «من طلب هذا الرزق من حله ليعود به علی نفسه و عیاله کان کالمجاهد فی سبیل الله». وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱.

۳ - «قضاء حاجة المؤمن يعدل سبعین حجة مبرورة». بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵.

مقام کارگر در اسلام

مردی امام باقر (ع) را در روزی بسیار گرم در حالی که به شدت عرق می‌ریخت و سخت مشغول کار بود ملاقات کرد. پیش رفت و عرض کرد: شما از بزرگان قریش هستید. اگر در این حال (حال کار) مرگ شما فرا رسد چه می‌کنید؟ امام باقر (ع) فرمود:

«اگر در این حالت مرگم فرا رسد در حال اطاعت خدا جان می‌سپارم، زیرا برای تأمین زندگی خود و خانواده‌ام تلاش می‌کنم که از تو و دیگران بی‌نیاز باشم»^۱.

عالی‌ترین مدال لیاقت یک کارگر آن است که اشرف مخلوقات عالم، پیامبر اکرم (ص) به احترام او خم شده و بر دستان پینه بسته‌اش بوسه زده است. احترام و تکریمی بالاتر از این عمل برای کسی در دنیا متصور نیست، البته احترام بالاتر کارگر در قیامت محفوظ است و توسط خود خدا و با ورود به بهشت صورت می‌پذیرد.

وقتی پیامبر اکرم (ص) از جنگ تبوک برمی‌گشتند (مردم باقیمانده در شهر مدینه از جمله) سعد انصاری در بیرون مدینه به استقبال آن حضرت شتافتند. مردم هر یک با خوشحالی از پیروزی و سلامتی رسول خدا با وی دست می‌دادند و مورد لطف پیامبر قرار می‌گرفتند. چون نوبت به سعد رسید و پیامبر (ص) دستان زبر و خشن سعد انصاری را لمس کرد، به او فرمود: «چرا دست تو این قدر زبر شده است؟ عرض کرد: ای رسول خدا! بیل

۱ - «لو جئنی الموت و انا علی هذة الحالة و انا فی طاعة الله عزوجل اکف بها نفسی و عیالی عنک و عن الناس». فروع کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۱.

می‌زنم (و با درآمد آن) خرج عایله‌ام را به دست می‌آورم. (چون پیامبر) این سخن را شنید دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید»^۱.

عمل و کار، نه آرزو و پندار

از نگاه اسلام تنها آرزوها و آرمان‌هایی ارزشمند است که عملی و تحقق پذیر باشد. از این رو از مسلمانان خواسته شده که به جای آرزوهای موهوم و خیال پردازی‌های بی‌اساس به کارهایی که انجام آن میسر است، پردازند.^۲ علی (ع) می‌فرماید:

«دوستان خدا با صبر و شکیبایی به پاداش رسیدند و با کار و تلاش به آرزوهای خود دست یافتند»^۳.

در ویژگی انسان‌های خیال پرداز و کم کار فرموده‌اند:

«به هنگام درخواست چیزی بسی اصرار ورزند و به هنگام عمل کوتاهی کنند، در گفتار چابک هستند و در کردار تنبل و همواره امید بهره‌برداری از عملی ناکرده دارند»^۴.

یکی از دلیل‌های ارج نهادن اسلام به کار و تلاش آن است که از مسلمانان خواسته با زبان کردار مردم را به کار یا اندیشه‌ای دعوت کنند نه با زبان گفتار، زیرا زبان کردار گویاتر از زبان گفتار است و عمل خود

۱ - اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۹۹.

۲ - اخلاق کارکنان، ص ۵۸.

۳ - «... صار اولیاء الله الی الاجر بالصبر و الی الامل بالعمل». تحف العقول، ص ۱۵۷.

۴ - «ثم یبالغ فی المسأله حین یسأل و یقتصر فی العمل فهو بالقول مدلّ و من العمل مقلّ یرجو نفع عمل مالم یعمله». تحف العقول، ص ۱۱۰.

بزرگ‌ترین مبلّغ و پیام‌رسان برای هر اندیشه یا دعوتی است، و سفارش کرده است تا خود اقدام به انجام عملی نکرده‌اند آن را به دیگری سفارش نکنند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«ای ایمان آورندگان! چرا چیزی می‌گویید که خود به آن عمل نمی‌کنید. در نزد خدا بسیار زشت است که چیزی بگویید ولی به آن عمل نکنید»^۱.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

«ای علی! هیچ خیری در گفتاری نیست مگر آنکه همراه با کردار باشد»^۲.

نکوهش بی‌کاری و تنبلی

یکی دیگر از دلیل‌های اهتمام اسلام به کار و تلاش آن است که از تنبلی، سستی و کاهلی و بی‌کاری به شدت نکوهش کرده است. امام صادق (ع) در سخنی کوتاه می‌فرماید:

«تنبلی و سستی، دشمن کار است»^۳.

علی (ع) به یار با وفای خود همّام بن شریح فرمود:

«ای همّام! مؤمن از تنبلی به دور و همیشه با نشاط و کم آرزو و زنده دل است»^۴.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

۱ - «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عندالله أن تقولوا ما لا تفعلون».

سوره صف (۶۱) آیه ۲ - ۳.

۲ - «یا علی! لاخیر فی قول الامع الفعل».

۳ - «عدوّ العمل الکسل». فروع کافی، ج ۵، ص ۸۵.

۴ - «یا همّام! المؤمن... بعید کسله دائم نشاطه قریب امله، حی قلبه».

«از کم حوصلگی و تن آسایی پرهیزید که این دو کلید هر بدی است، زیرا آن که تنبل و تن آسا باشد هیچ حقی را ادا نمی‌کند و آنکه بی حوصله باشد بر هیچ حقی پایدار نمی‌ماند»^۱

خداوند هم در مقام نکوهش از تنبلی و سستی می‌فرماید:

«سستی مکنید و اندوهگین م باشید که اگر مؤمن باشید برتری با شماست»^۲

از این سخنان ارزشمند و گهربار استفاده می‌شود که اسلام دین کار و کوشش است و به شدت از تنبلی و تن‌پروری نفرت دارد، لذا علی (ع) در سخن کوتاهی می‌فرماید:

«هر کس تسلیم سستی و سهل‌انگاری شود حق خود و دیگران را از بین برده است»^۳

سعدی هم در شعر خود از بی‌کاری مذمت کرده است:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

که گر مراد نجویم به قدر وُسع بکوشم^۴

امام هفتم (ع) می‌فرماید:

«خدای بزرگ از بنده پر خواب بیزار و از بنده بی‌کار متنفر است»^۵

پیامبر اکرم (ص) هرگاه مردی را می‌دید و از وی خوشش می‌آمد

۱ - «ایاک و الضجر و الکسل، ائهما مفتاح کل سوء ائه من کسل لم یؤدّ حقاً و من ضجر

لم یصبر علی حقّ». وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹.

۲ - «و لا تهنوا و لا تحزنوا او انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». سوره آل عمران (۳) آیه ۱۳۹.

۳ - «من اطاع التوانی ضیع الحقوق». نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱.

۴ - بوستان.

۵ - «ان الله عزوجل لیبغض العبد التّوام ان الله لیبغض العبد الفارغ». وسایل الشیعه، ج

اولین پرسشش این بود که چه کاره هست. آیا شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد. یاران می‌پرسیدند: ای رسول خدا چرا؟ می‌فرمود: اگر مؤمن حرفه و شغلی نداشته باشد با دینش زندگی می‌کند؛ یعنی به نام دین سربار این و آن می‌شود.^۱

در اسلام بازنشستگی و بی‌کاری به طوری که هم اکنون مرسوم است وجود ندارد. انسان باید تا توان کار کردن دارد تلاش کند و طبیعتاً این تلاش و فعالیت به تناسب قدرت و سن و سال اوست. مؤمن باید همیشه وقتش پر باشد؛ یا در حال کار و تلاش برای به دست آوردن روزی خود و خانواده یا به عبادت و بندگی خدا پردازد یا استراحت کند برای اینکه نشاط و قدرت و توان دوباره به دست آورد.

یکی از مراجع بزرگ تقلید همیشه به طلاب علوم دینی سفارش می‌کرد: هرگاه گرسنه شدید غذا بخورید، هر وقت نیاز به خواب و استراحت دارید بخوابید، اما در غیر این دو حالت، اوقات فراغت خود را به بطالت و بی‌کاری سپری نکنید.

امام باقر (ع) فرمود:

«موسی (ع) به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! از کدام یک از بندگانت بیشتر نفرت داری؟ خداوند فرمود: آن کس که شب هنگام چون مردار است و روز بی‌کار».^۲

یکی از دانشمندان می‌گوید: اگر مایل به آسایش و راحتی نفس هستی و به سلامت بدن و فکر خود علاقه داری و می‌خواهی از بار غم و اندوه

۱ - جامع الاخبار، ص ۱۳۹.

۲ - بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۵۴.

بیرون بیایی به یک دستور ساده و مختصر عمل کن و آن این‌که هیچ‌گاه بی‌کار منشین.^۱

جهان هستی، جهان تلاش و جنبش و کوشش است. در عالم وجود هیچ چیز بی‌کار نیست از ریزترین جزء یک ماده که اتم است تا کهکشان‌ها همگی در حال حرکت و تلاش و انجام وظیفه‌اند.

هر ذره که هست اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است^۲

در این پرده یک رشته بی‌کار نیست سر رشته بر ما پدیدار نیست^۳

قطره‌ای کز جویباری می‌رود از پی انجام کاری می‌رود^۴

در این میان خداوند متعال که خالق هستی است خود از همه پرکارتر است و به تعبیر قرآن هر آن و لحظه در حال انجام کاری است:

«هر آن در مقام انجام کاری می‌باشد»^۵

امام راحل (ره) فرمود: خدا هم یک کارگر است.

البته کارهای خداوند در قوه خیال و فکر ما نمی‌گنجد. او هر آن عده‌ای را جان می‌بخشد و گروهی را می‌میراند و می‌گیرد. امر و نهی می‌کند، می‌سازد و روزی می‌دهد.

زیبایی جهان هستی در گرو تلاش دسته‌جمعی و تعامل تمامی مجموعه نظام آفرینش با یکدیگر است. انسان زمانی با این مجموعهٔ منظم

۱ - رهنمون، ص ۶۲۴.

۲ - نظامی.

۳ - نظامی.

۴ - پروین اعتصامی.

۵ - سوره رحمان (۵۵) آیه ۲۹.

همه‌ها می‌خواهند در حلقه‌های مناسب آنها جای خواهند گرفت که به نوبه خود به وظیفه خویش پردازد و عاطل و بی‌کار نباشد، و در این صورت است که به نظم و شکوه جهان هستی آسیبی وارد نخواهد شد.

«جبران خلیل جبران» می‌گوید: شما کار می‌کنید و با کارتان با آهنگ خاک هم‌نوا و با روح زمین یگانه می‌شوید، زیرا بی‌کاری و بی‌ثمری غریبگی است با فصل‌ها و نیز جا ماندن است از کاروان زندگی، کاروانی که با شکوه و عظمت و سرافرازی عازم ابدیت است.

بی‌کاری بهتر است از بی‌کاری

بی‌کاری پدیده‌ای تازه و محصول فناوری است، زیرا انسان‌های اولیه آن قدر وقت نداشتند که بی‌کار بمانند. آنها ناچار بودند که در تمام اوقات برای تأمین خوراک و پوشاک و مسکن و حفظ جان خود کوشش و تلاش نمایند. در نتیجه پیشرفت تمدن و ترقی صنعت، کار از انسان ستانده و به ماشین سپرده شد؛ کمیّت کارِ ضروری آدمی تقلیل یافت و برای تأمین زندگی، کار هر کسی به حداقل رسید. کارگری که می‌بایست روزانه چهارده ساعت کار کند؛ بیش از هشت ساعت کار نمی‌کند. همین مقدار برای او کافی تشخیص داده شده است.

بنابراین در عصر حاضر عنصر بی‌کاری بسیار خوب و روشن عرض اندام نموده است. در این رهگذر عده‌ای به اوقات فراغت خود بسان کودکان نگاه می‌کنند و این اوقات گرانبها را صرف کارهای جسمانی و لذت‌های نفسانی خود می‌نمایند. برخی وقتی بی‌کار می‌مانند و نمی‌توانند مشغولیتی برای خود فراهم آورند، تلاش می‌کنند کاری که فقط بتواند آنان را سرگرم کند

بیابند، اینها همانند کودکانی که میان سنّ طفولیت و رشد هستند توقع دارند مردم تمام وقت خود را صرف سرگرمی و مشغولیت آنان نمایند اما خودشان برای رسیدن به این هدف کمترین فعالیتی نمی‌کنند و تن به کار نمی‌دهند.

در برابر اینها عده‌ای هستند که واقعاً پخته و مجرب هستند و می‌دانند که اوقات فراغت ناراحت کننده و عذاب آور نیست، بلکه فرصتی است که مسئولیت‌هایی متوجه آن است و همان‌طور که انسان‌های قدیم وقت خود را صرف حفظ جان و حفظ نوع خود می‌کردند آنان نیز نباید اوقات خود را صرف سرگرمی نمایند بلکه لازم است که این اوقات را برای ترقی نوع بشر به کار گیرند و بر همین اساس اشخاص کار آزموده و دنیا دیده برای گذراندن اوقات بی‌کاری خود برنامه‌های مخصوص دارند و این اوقات را صرف ترقی سطح فکری خود می‌کنند و بدین وسیله خدمتی به هموعان خویش و کشور خود می‌نمایند و می‌کوشند نام نیکی از خویشان به جای گذارند و همواره شعارشان این است که بی‌گاری بهتر از بی‌کاری است.^۱

فصل دوم : نقش‌های تربیتی کار

اهمیت گره‌گشایی از کار مردم

هارون الرشید حاکمی ستمگر و مغرور بود که وقتی ابری را بالای سرش می‌دید، مغرورانه می‌گفت: ای ابر! بیار هر جا که بیاری بر مملکت من باریده‌ای. به راستی هم همین‌طور بود. آن زمان که آمریکا کشف نشده بود تقریباً دو سوم دنیا تحت سلطهٔ اسلام بود. همین هارون وزیری به نام علی بن یقطین داشت. وی از شیعیان راستین و از دوستان واقعی امامان بود و از اینکه زیر پرچم ستم بود زجر می‌کشید. مرتب به امام موسی بن جعفر (ع) نامه می‌نوشت که آقا! من زیر پرچم ظلم زجر می‌کشم آیا می‌توانم خودم را از منصب وزارت هارون خلاص کنم؟ امام (ع) سفارش می‌کرد که باید در منصب خود باقی بمانی که کفاره گناه تو خدمت به مسلمانان است؛ اگر بتوانی گره‌ای از کار مسلمانی بگشایی کفاره گناهانت را پرداخته‌ای.^۱

۱ - اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ص ۴۳۳.

لذا پیامبر (ص) در روایتی می‌فرماید:

«پاره‌ای از گناهان است که هیچ نماز و صدقه‌ای آن را جبران نمی‌کند. پرسیدند: پس چه چیز کفاره آن است؟ فرمود: غم و اندوه خوردن در طلب تأمین هزینه‌های زندگی»^۱.

کار و بهداشت روانی

بخش بزرگی از زندگی بزرگسالی انسان صرف کار می‌شود. چنانکه گفتیم کار کردن تنها پول درآوردن نیست. کار از نظر سلامت روانی شخص و به منظور احساس هویت و رضایت از زندگی عامل بسیار مهمی به شمار می‌رود. کار کردن برای انسان استقلال مالی و عزت نفس فراهم می‌آورد. کار و حرفه انسان شیوه لباس پوشیدن، سبک زندگی، محل سکونت، شیوه تربیت فرزندان و تحصیل آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین بی‌کاری و یا نارضایتی از کار می‌تواند پیامدهای ناراحت‌کننده‌ای داشته باشد.

کسی که شغل نداشته یا از کار خود رضایت ندارد در ایجاد روابط با دیگران و احساس سودمندی و داشتن هویت اختلال نشان می‌دهد. میان درصد بی‌کاری و میزان افسردگی‌ها و خودکشی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نیز اثبات شده هر اندازه میزان بی‌کاری بیشتر باشد تعداد مردان بستری شده در بیمارستان‌های روانی به مقدار قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

بی‌کاری مشکلات مربوط به اقتصاد را شدت می‌بخشد، تعارض‌های

۱ - «انّ من الذنوب ذنوباً لا یكفرها صلاة و لاصدقة، قیل یا رسول الله فما یكفرها؟ قال:

الهموم فی طلب المعیشة». مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۵.

خانوادگی میان زن و شوهر و والدین با فرزندان را افزایش می‌دهد. افرادی که بی‌کار می‌شوند و امید پیدا کردن شغل جدید را نیز از دست می‌دهند دچار حالت شوک، احساس ناامیدی، از دست دادن عزت نفس، تردید، اضطراب، تسلیم در برابر رویدادها و در خود فرو رفتن می‌شوند و در مواردی که بی‌کاری ادامه پیدا کند زندگی خانوادگی را تهدید کرده و متلاشی می‌سازد و حتی پیشنهاد فروش اسباب و اثاثیه منزل و بد رفتاری با کودکان و خشونت و مشاجره‌های خانوادگی و پناه بردن به مواد مخدر و طلاق پیش می‌آید.^۱

کار و تلاش، مقیاس ارزش انسان

از قرآن و روایات استفاده می‌شود که مقیاس ارزش انسان و کرامت او در کار و تلاش و عمل او نهفته است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«برای هر یک از آنان از روی کار و تلاشی که کرده‌اند درجاتی است و

پروردگار تو از آنچه می‌کنند غافل نیست».^۲

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«ما عقیده نداریم که همگان در یک درجه هستند، همانا خدا

می‌فرماید: "درجه و مقام‌هایی است برخی برتر از دیگری،" تفاوت

درجه‌های گروه‌ها و مردمان تنها و تنها به کار و تلاش است».^۳

۱ - همان، ص ۳۵.

۲ - سوره انعام (۶) آیه ۱۳۲.

۳ - «لانتقول درجة واحدة ان الله يقول (درجات بعضها فوق بعض) انما تفاضل القوم

بالاعمال». تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸.

هر که کارش بیش اجرش بیشتر

در سخنان امامان (ع) اجر و پاداش بسیاری برای کار و تلاش نیکو ذکر شده است. علی (ع) می‌فرماید:

«ای مالک! نیکوکاران را از سخنانی می‌توان شناخت که خداوند درباره آنان بر زبان بندگان خویش جاری می‌سازد، پس باید که دوست داشتنی‌ترین اندوخته در نظر تو اندوخته کار نیک باشد.»^۱

و در حکمت دیگری می‌فرماید:

«میوه کار نیک همانند ریشه آن (خوب) و میوه کار بد همانند اصل و ریشه آن (بد) است.»^۲

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«کسی که در دنیا تلاش کند تا کرامت و آبروی خود را در جامعه حفظ و رفاه خانواده‌اش را تأمین کند و به همسایگان خود مدد رساند، روز قیامت خداوند را ملاقات کند در حالی که چهره‌ای همانند ماه شب چهارده دارد.»^۳

رمز موفقیت یک انسان پر تلاش

«سینکلر» مدیر یک شرکت بزرگ نفتی بود. وی در ابتدا مسئولیت پایینی داشت و در بخش ارسال مرسولات پستی در پاکت‌های نامه را می‌چسباند. اما به موفق‌ترین مدیران دنیا مبدل شد. خود درباره رمز موفقیت خود

۱ - انما يستدل على الصالحين بما يجرى الله لهم على السن عباده فليكن احب الذخائر

اليك ذخيرة العمل الصالح». نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲ - غررالحکم، کلمه ۴۶۴۹ - ۴۶۵۰.

۳ - فروع کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵.

می‌گویند: در زندگی هفت نکته را مد نظر قرار دادم و بدان‌ها عمل کردم و کامروایی خود را از آنها می‌دانم. اول: همیشه به کارم عشق می‌ورزیدم و با پشتکار و حرارت فوق‌العاده‌ای وظایفی را که به من محول می‌شد انجام می‌دادم. در آن وقتی که کار بسیار کوچکی داشتم (چسباندن در پاکت نامه‌ها) به همان اندازه از شغل خود خشنود بودم که هم‌اکنون که در پست مدیر بزرگترین شرکت‌های جهان کار می‌کنم. تغییر پست هیچ تغییری در من نداد و روحیه مرا عوض نکرد. دوم: همیشه سعی می‌کردم کار خود را بهتر از کسی که پیش از من مسئول انجام آن بوده است و حتی بهتر از کسانی که در مشاغل گوناگون آن اداره کار می‌کردند، انجام دهم. سوم: از قبول کارهایی که از انجام آن ناتوان بودم جداً دوری می‌کردم و بدون پروا می‌گفتم: این کار از من ساخته نیست، به متخصص آن مراجعه کنید. چهارم: همه وقت خود را در اداره یا شرکتی که در آن کار می‌کردم می‌گذراندم و تمام کوشش من انجام وظیفه‌ای بود که بر عهده داشتم. درست بر خلاف کسانی که می‌خواهند در هر اداره و بنگاهی شغل و درآمدی داشته باشند. پنجم: همیشه اعتقاد داشتم هنگامی ترفیع خواهم گرفت و از اضافه حقوق بهره‌مند خواهم شد که در کار خود جدی و به رموز آن آشنایی کامل داشته باشم. ششم: همواره معتقد بودم که کار اداره نیز خود هنری است که هر کارمندی باید از آن اطلاع داشته باشد و اگر نداشت امید موفقیت و ترقی او نمی‌رود. هفتم: همیشه یک ربع قبل از آغاز خدمت در محل کار حاضر می‌شدم و یک ربع دیرتر از دیگران از کار دست

می‌کشیدم و هنوز این کار را می‌کنم.^۱

این مطالب ما حاصل همان نکاتی است که در روایات ما بود و تحلیل کردیم و ارایه نمودیم. در روایتی آمده است: «در کار نباید امروز و فردا کرد و باید وفای به عهد نمود و کارکنان و کارگران پای‌بند به پیمان‌ها باشند و وقت مردم را از بین نبرند.» پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«وای بر صنعت‌گران امت من از امروز و فردا کردن».^۲

حضرت در روایتی می‌فرماید:

«کار را باید به کاردان سپرد و سه ویژگی برای صنعتگر ذکر می‌کند

تا کار و کسب رونق پیدا کند: ۱ - در کار خود مهارت داشته باشد؛ ۲

- در حرفه‌اش امانت‌دار باشد؛ ۳ - نظر کسی را که کاری به او سپرده

است، جلب نماید».^۳

استحکام و اتقان عمل و محکم کاری

از ضررهای جبران‌ناپذیری که همیشه اقتصاد فرد و جامعه را تهدید می‌کند کم‌کاری یا سرهم‌بندی کردن و به تعبیر روشن‌تر دزدی از کار است. هر صاحب حرفه‌ای که در شغل خود برای رقابت با دیگران از کالا و خدمات خود کم‌گذاشته، حق کار را ادا نکند به جامعه خود خیانت کرده و سبب از بین رفتن برکت از سرمایه‌های ملی شده است. لذا امام صادق (ع) می‌فرماید:

«هر کس به برادر مسلمان خود خیانت کند و کالای مغشوش و

۱ - کیمیای کار، ص ۱۸۹.

۲ - «ویل لصناع امتی من الیوم وغدًا». من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۶۰.

۳ - تحف العقول، ص ۳۲۲.

مخلوط و نامرغوب در اختیار وی بگذارد خدا به روزی او برکت و افزایش نمی‌دهد و زندگی او تباه می‌شود»^۱.

اسلام با قطع نظر از آنچه خواهد شد وظیفه فعلی هر صاحب حرفه‌ای دانسته آنچه را می‌سازد محکم بسازد و کارش را با استحکام و اتقان هرچه بیشتر به پیش ببرد؛ اما اینکه در آینده نزدیک یا دور ساخته او خراب شده و از بین می‌رود نباید مدّ نظر وی باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«خداوند متعال دوست دارد هرگاه یکی از شما کاری انجام می‌دهد درست و محکم انجام دهد»^۲.

امام صادق (ع) نقل کرده که پیامبر (ص) وارد قبر سعد بن معاذ شد و خود خشت لحدش را چید، سپس سنگ و گل طلبید و بین خشت‌ها را پر کرد. وقتی کارش به پایان رسید، فرمود:

«می‌دانم این قبر به زودی از بین می‌رود و می‌پوسد اما خداوند دوست دارد وقتی بنده‌اش کاری را انجام دهد محکم کاری کند»^۳.

مشکل کالاهای تولید امروز آن است که صاحبان کارخانه‌های تولیدی به منظور کسب سود بیشتر به جای آنکه با محکم کاری و ارتقای کیفیت، مشتری جذب نمایند کالاهای خود را طوری طراحی می‌کنند که دوام زیادی نداشته باشد. این سیاست خلاف دستوراتی است که از پیشوایان ما

۱ - «من غشّ اخاه المسلم نزع الله برکة رزقه و افسد علیه معيشته». وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

۲ - «قال النبی (ص): اذا عمل احدکم فلیتقین». سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۸؛ کنز العمال، حدیث ۹۱۲۸.

۳ - وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۰.

رسیده است. کارشناسان اقتصادی در جا زدن را یک نوع عقب‌گرد می‌دانند. وقتی چنین شد، تحوّل از صورت کامل‌تر به صورت ناقص‌تر قطعاً انتحار و سقوط است و اگر تغییری در شکل ظاهری کالا به وجود می‌آوریم باید به حقیقت و مغز کار نیز برسیم.

سپردن کار به دست متخصصان

تخصّص‌گرایی و مهارت داشتن در رشته‌ای خاص و پرهیز از تغییر مکرّر شغل از عوامل مهم در موفقیت انسان است. بسیاری از افرادی که استعداد و علاقه خود را نمی‌شناسند و در داشتن پیشه ثابتی برای خود دچار تزلزل و بی‌ثباتی هستند. اینان گرچه ممکن است از سرمایه عمر و مال بهره‌گیرند و زحمات فراوانی را تحمل کنند اما چون مهارت و تخصّصی در رشته‌ای خاص ندارند همیشه نیروی کار درجه دوم و سوم محسوب می‌شوند و قادر به استفاده کامل از سرمایه به کار گرفته و بهره‌برداری مناسب از آن نیستند. به علاوه کار دیگران را نیز ضایع کرده سبب تلف شدن سرمایه وقت و نیروی دیگران نیز می‌گردند. بنابراین سپردن کار به چنین افرادی هرگز سزاوار نخواهد بود.^۱

مرحوم شیخ بهایی می‌گوید: من با دانشمندان نامدار دنیا که در رشته‌های گوناگون کار کرده بودند و در هر علمی صاحب اطلاعات وسیعی بودند وارد بحث و مذاکره شدم و بر همه آنها پیروز گشتم ولی هر موقع با متخصصین یک رشته - کسی که تمام نیروی خود را در یک رشته به کار

برده بود - به بحث پرداختم، سخت مغلوب شدم، زیرا بر اثر محدود بودن نیروی فکری زوایایی از هر علمی بر من مخفی مانده بود.^۱

اصولاً یکی از عوامل عقب ماندگی اشخاص، رنک عوض کردن است. افراد مستعدّ به جای آنکه استعداد خود را شناسایی کرده و پی یک رشته را گرفته در آن متخصص گردند از این شاخه به آن شاخه می‌پرند و در قلمروهای گوناگون قدم می‌زنند؛ کاری را به اتمام نرسانده سراغ کار دیگری می‌دوند؛ می‌خواهند همه کاره شوند ولی سرانجام هیچ کاره‌اند. این درس را باید از طبیعت آموخت که اگر نهالی را چند بار جابه‌جا کنند سرانجام پژمرده می‌گردد، ولی نهال‌هایی که ثابت و پا برج‌آبشخور خود را یافته‌اند ثابت و خرم جلوه می‌کنند. جابه‌جا کردن نهال فکر نیز موجب پریشانی می‌شود و فکر را از رشد و نموّ باز می‌دارد. یکی از نشانه‌های نوابغ دنیا آن است که می‌توانند افکار خود را در نقطه‌ای متمرکز سازند تا به نتیجه برسند.

علی (ع) می‌فرماید:

«مردم فرزندان آن چیزی هستند که آن را خوب انجام می‌دهند».^۲

یعنی همان گونه که انسان‌ها به پدران خویش نسبت دارند و همان گونه که با پدران قدر و منزلت یافته و شناخته می‌شوند و مردم می‌گویند: فلانی پسر فلان کس است، به همین گونه، اشخاص به کار و مهارت و تخصص خود نسبت داده می‌شوند و قدر و منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. مثلاً می‌گویند: صنعتگر ماهر، پزشک متخصص، هنرمند چیره دست، بنای خوب. بنابراین مردم فرزندان هنرها و مهارت‌ها و تخصص خویش

۱ - کشکول، شیخ بهایی، ص ۴۲۰.

۲ - «الناس أبناء ما يُحسنون». اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰؛ ارشاد مفید، ص ۲۹۰.

هستند و با انتساب به آن هنرها و کاری که از آنها تولید می‌شود شناخته می‌شوند و قطعاً به اندازه‌گردانی و مهارت ارج می‌بینند و قدر می‌یابند.

حضرت یوسف صدیق (ع) وقتی موقعیت را مناسب یافت، به عزیز مصر فرمود:
«مرا سرپرست گنجینه‌های سرزمین مصر قرار ده که من نگهدارنده و آگاه هستم».^۱

به یقین دو ویژگی مهمی که در امر خزانهداری (وزیر برنامه‌ریزی امور اقتصادی) سرزمین بزرگی همانند مصر یا هر جایی مورد توجه است:
۱- حفظ و نگهداری و تعهد از نظر حساب و کتاب و دقت و امانتداری؛
۲- آگاهی و تخصص در چگونه مصرف کردن و اندوختن (برنامه‌ریزی) است.

علی (ع) به روشنی به این نکته اشاره کرده است:
«ارزش هر کسی به اندازه چیزی است که آن را خوب آموخته و می‌داند (و آن را با مهارت و هنرمندانه انجام می‌دهد)».^۲

سید رضی (ره) در ذیل این حکمت می‌نویسد: «این سخن کوتاه و حکیمانه است که ارزشی برای آن نمی‌توان یافت و هیچ حکمتی با آن قابل‌سنجش نیست و نمی‌تواند هم‌ردیف آن شود».^۳

پس ارزش‌های پوچی که انسان به آن دل خوش کرده مانند مال و توانایی یا پست و میز ارزش نیست، بلکه ارزش انسان به کاری است که خوب انجام می‌دهد، یا هنری است که در آن مهارت یافته. بنابراین برای تحقق

۱ - «جعلنی علی خزائن الارض ائی حفیظ علیم». سوره یوسف (۱۳) آیه ۵۵.

۲ - «قیمه کل امری ما یحسنه». ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۰۰.

۳ - نهج البلاغه.

عدالت و حفظ سرمایه‌های ملی و پویایی حکومت اسلامی، در سازمان‌ها باید افرادی که کاردان آگاه متخصص متعهد و با تجربه و مهارت هستند به کار گرفته شوند. لذا امام صادق (ع) در سخنی حکیمانه می‌فرماید:

«فرقی ندارد که کار را به خائن بسپارم یا به ناشی و بی‌مهارت»^۱

نکته سخن حضرت این است که از نظر نتیجه فرقی نیست که کار و شغل و پست و مدیریتی کوچک یا بزرگ به دست شخص خائن و فاسد سپرده شود یا شخص ناشی که تخصص در آن ندارد و فاقد کاردانی است؛ چه آنکه در هر دو صورت کار تباه می‌شود و جامعه و حکومت زیان می‌بینند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«هر کس بی دانش و تخصص کاری انجام دهد بیش از آنکه آباد کند خراب خواهد کرد»^۲.

خالص بودن عمل و کار برای خدا

خالص بودن کار از آلودگی‌ها و به دور بودن از هدف‌های غیر الهی چون شهرت طلبی و جلب توجه مردم و ستایش‌های بیش از حد، یکی از ویژگی‌هایی است که کار و عمل مسلمان باید به آن آراسته شود. خالص شدن عمل، در استحکام عمل و ادامه یافتن و نیکو شدن گوهر آن دارای نقش مهمی است. هدف‌های غیر خدایی کارها را سطحی، بی‌ژرفا و بی‌ارزش می‌کند و بسا که چنین حالتی سبب ترک عمل یا سهل‌انگاری و تنبلی در آن می‌شود، زیرا ممکن است فرد در اثنای عمل یا پس از انجام دادن

۱ - تحف العقول، ص ۳۶۷.

۲ - «من عمل علی غیر علم کان مایفسد اکثر ممّا یصلح». تحف العقول، ص ۳۹.

پاره‌ای از آن به هدف‌های یاد شده دست یابد و باقی آن را فرو گذارد یا در استوار سازی و نیک پردازی آن کوتاهی کند.^۱

علی (ع) می‌فرماید:

«خالص سازی عمل بهتر از خود عمل است».^۲

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اخلاص را تا پایان کار نگه داشتن سخت‌تر از خود عمل است».^۳

عشق ورزیدن به کار

انسان باید عاشق شغل و حرفه خود باشد. عشق به هر کار مشروعی آن را ارزشمند کرده و رنگ دیگری بدان می‌بخشد. یک دانشجو تا عاشق رشته‌ای نباشد نباید برای تحصیل در آن قدم بردارد و در این زمینه ملاک انتخاب را علایق خود، نه سلیقه‌های اطرافیان بداند و هرگز جوّ جامعه و روزگار او را از تصمیم خود منصرف نسازد. یک صنعت‌گر اگر به ساخته‌های خود عشق بورزد و به تولید خود بسان فرزندان آفریده‌ه‌اش نگاه کند و از کار خویش لذت ببرد هرگز در ساختن و تولید کم‌کاری نمی‌کند. یک کارمند و مدیر اداره هم باید چنین باشد و با علاقه و نشاط و احترام به ارباب رجوع کارهای وزارت متبوع خود را دنبال کند و آن را یک عبادت و کار خود را مقدس بداند تا موفق شود و کارها به زمین نماند و فساد اداری از بین برود.

۱ - الحیاء، ج ۱، ص ۵۹۱.

۲ - «تصفیه العمل خیر من العمل». بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۹۰.

۳ - «الابقاء علی العمل حتی یخلص اشدّ من العمل». اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

استمرار و استقامت در کار

کار و تلاش در صورتی بارور و نتیجه بخش خواهد بود که ادامه پیدا کند و با صبر و حوصله کافی و با پشتکار و مداومت دنبال شود. هر کس در هر کار و حرفه و شغلی به جایی رسیده مدت زیادی سختی کشیده یا دوری از خانواده، غربت، تنهایی، گرسنگی چشیده و این همه، لازمه زندگی مردان موفق تاریخ بوده و خواهد بود. البته شروع کار آسان است و بسیاری از دشواری‌ها در ادامه کار و در نیمه راه رخ می‌دهد. خداوند در این زمینه انسان‌ها را به استقامت دعوت کرده است:

«کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و در آن پایداری کردند بر

آنان بیم و اندوهی نیست»^۱

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید:

«من علم و دانش (که بیشتر کارها زاینده این عنصر است) را در گرسنگی و سختی (و غربت و دوری از وطن) نهاده‌ام، اما مردم (در وطن خود) و با شکم سیر به دنبال آن هستند، (پس بدانند) که هرگز بدان نخواهند رسید»^۲

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«با صبر و تحمل و پشتکار آرزوها دست یافتنی است»^۳

مرحوم ملا مهدی نراقی گاه از شدت فقر و نداری نمی‌توانست برای

۱ - «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». سوره احقاف (۴۶) آیه ۱۳.

۲ - «آتی وضعت العلم و الحکمة فی الجوع و هم یطلبونه فی الشبع فمتی یجدون». مشکاة الانوار، ص ۳۲۸.

۳ - غررالحکم، ص ۲۸۴.

روشن کردن حجره‌اش در شب شمع یا روغن چراغ بخرد. شب که فرا می‌رسید حجره تاریک و مطالعه در آن ناممکن می‌شد، از این رو از حجره بیرون می‌آمد و به قسمت انتهایی حیاط می‌رفت و زیر نور چراغ‌های وضوخانهٔ مدرسه به مطالعه و تحقیق می‌پرداخت. با همین صبر و استقامت و پشتکار و تلاش طاقت فرسا بود که اکنون موفقیت وی تحسین برانگیز و نامش بلند آوازه است.^۱

زیان‌های بی‌کاری

فردی که شغل و سرگرمی دارد و وقت او پر است کمتر فرصت ولگردی و هرزگی پیدا می‌کند. در مقابل انسان بی‌کار را شیطان به کار می‌گیرد. او خواسته یا ناخواسته برای سرگرم کردن خود در اجتماع پرسه می‌زند و دیر یا زود صید صیادان می‌گردد.

امام صادق (ع) دربارهٔ زیان‌های بی‌کاری می‌فرماید:

«اگر کار برای انسان ضرورتی نداشت آدمیان با فراغت (بی‌کاری) که برایشان پیش می‌آمد به ناسپاسی و سرمستی گرفتار می‌شدند و تباهی و زشت کاری همه جا را می‌گرفت».^۲

نیز می‌فرماید:

«کار و اشتغال، آدمی را از ناسپاسی و سرمستی و بی‌بند و باری و سقوط در امان نگاه می‌دارد».

اگر نگاهی به پرونده‌های بزهکاران بیفکنید خواهید دید بیشتر کسانی

۱ - گلشن ابراه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲ - بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۶.

که در جامعه دچار انواع انحرافات شده‌اند، سرچشمه اصلی آن بی‌کاری و اوقات فراغت زیاد است.

پاسکال می‌گوید: ریشه کلیه مفاسد فکری و اخلاقی، بی‌کاری است. هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند باید برای مردمش زمینه شغل ایجاد کرده و آن‌ها را وادار به کار نماید تا آن آرامش عمیق روحی که عده معدودی از آن آگاه هستند در عرصه وجود افراد برقرار شود.

علی (ع) نیز می‌فرماید:

«اگر کار خستگی و درد و رنج دارد، بی‌کاری همیشه نیز مایه فساد و

تباهی است»^۱.

فصل سوم : قانون‌مداری در اسلام

قانون‌مداری

رعایت قانون و عمل به آن از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و تمدن اجتماعات بشری است، و این امر هنگامی تحقق می‌یابد که پای‌بندی به قانون، برخاسته از شناخت دقیق و اعتقاد راسخ فرد به آن باشد، نه از ترس مجازات و زندان. روشن است که قانون‌مندی برخاسته از ایمان و ژرفای دل تنها زمانی به وجود می‌آید که قوانین، دینی و الهی بوده و قانون‌گذار، آفریننده انسان، فرمانروا بر زندگی و مرگ، دانای نهان و آشکار و آگاه از کارهای کوچک و بزرگ او باشد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«و هیچ مرد و زن با ایمانی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است»^۱.

۱ - «و ما کان لمؤمن و لامؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرًا...». سوره احزاب (۳۳) آیه ۳۶.

کلمه «قضی» به معنای قضای تشریحی و قانونگذاری و فرمان و داوری است و بدیهی است که نه خدا نیازی به اطاعت و تسلیم مردم دارد و نه پیامبر چشم داشتی، در حقیقت مصالح خود آنهاست که گاهی بر اثر محدود بودن آگاهی آنان، از آن با خبر نمی‌شوند، ولی خدا می‌داند و به پیامبرش دستور می‌دهد؛ این درست به آن می‌ماند که یک پزشک ماهر به بیمارش می‌گوید: در صورتی به درمان تو می‌پردازم که در برابر دستورات من تسلیم محض بوده و از خود اراده نداشته باشی. این نهایت دلسوزی طیب را نسبت به بیمار نشان می‌دهد و خدا از چنین طبیعی برتر و بالاتر است.

از طرفی تسلیم در برابر حق، روح اسلام است. بدون شک استقلال فکری و روحی انسان اجازه نمی‌دهد که بی‌قید و شرط تسلیم کسی شود، چرا که او هم انسانی است مثل خودش و ممکن است در مسائلی اشتباهاتی داشته باشد، اما هنگامی که مسئله به خداوند عالم و حکیم و پیامبری که از طرف او سخن می‌گوید و به فرمان او گام برمی‌دارد، می‌رسد، تسلیم مطلق نبودن دلیل بر گمراهی است، چرا که فرمانش کمترین خطا و اشتباهی ندارد.

از این گذشته، فرمان او حافظ منافع خود انسان است و چیزی نیست که به ذات پاک خدا برگردد. آیا ممکن است هیچ انسان عاقلی با تشخیص این حقیقت مصالح خود را زیر پا بگذارد؟! از همه اینها گذشته ما از آن او هستیم و هرچه داریم از اوست و جز تسلیم در برابر او کاری نمی‌توانیم

در سراسر قرآن، آیات فراوانی دیده می‌شود که به این مسئله اشاره دارد، مانند آیات زیر:

«گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میان‌شان داوری کند - تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و پیروی کردیم. اینان رستگارند».^۲

«ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایهٔ اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌های آنان احساس ناراحتی و تردید نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند».^۳

«پس کسانی که از فرمان خدا سرکشی می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».^۴

امام خمینی (ره) دربارهٔ عمل به قانون و فایده‌های ارزشمند آن

می‌فرمود:

«همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در کشور هستند اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشمریم هیچ اختلافی پیش نمی‌آید. اختلافات از راه قانون‌شکنی‌ها پیش می‌آید. اگر قانون در یک کشوری حکومت کند چنانچه از صدر عالم تاکنون تمام انبیا

۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۱۸ - ۳۲۸.

۲ - «أَمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ...». سوره نور (۲۴) آیه ۵۱.

۳ - «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا...». سوره نساء (۴) آیه ۶۵.

۴ - «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». سوره نور (۲۴) آیه ۶۳.

برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیامبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند ما هم باید تبعیت از پیامبر اسلام و ائمه هدی (ع) بکنیم و به قانون عمل بکنیم و هم در مقابل قانون خاضع باشیم. قانون برای همه است؛ البته اگر چنانچه بخواهند به قانون عمل کنند و یک دزدی را به جای خودش بنشانند آن دزد صدایش درمی‌آید لیکن باید آن دزدی که مقابل قانون می‌خواهد عرض اندام کند به او توجه داد که این قانون است و اگر چنان چه پسر رسول اکرم هم خدای نکرده دزدی کند رسول اکرم دست او را می‌برد. قانون برای نفع ملت است، برای نفع جامعه است، برای نفع بعضی اشخاص و بعضی گروه‌ها نیست. قانون به تمام جامعه توجه کرده است و قانون برای تهذیب تمام جامعه است.^۱

منشأ قانون در نظام اسلامی

قانون در نظام اسلامی منشأ الهی دارد و قانون‌گذار آفریدگار انسان است. قرآن کتاب قانون است و هم کتاب اخلاق و انسان‌سازی. خداوند متعال قانون‌های مورد نیاز در اداره نظام اسلامی را در قرآن بیان کرده. پیامبر و پیشوایان دین نیز به استخراج مواد قانونی از این کتاب مقدس پرداختند و در حال حاضر فقیهان جامع شرایط موظف هستند با استفاده از دو سرچشمه زلال کتاب و سنت قوانین مورد نیاز را متناسب با شرایط روز استنباط کرده و در اختیار قانون‌گذار و مجریان نظام اسلامی قرار دهند.

قرآن کریم هم می‌فرماید:

«پس اگر در چیزی نزاع کردید به خدا و رسول ارجاع دهید»^۱.

حضرت علی (ع) در تفسیر آیه می‌فرماید:

«ارجاع به خداوند حکم کردن به کتاب اوست و ارجاع به رسول تمسک به سنت پیامبر است. پس هرگاه با صداقت بر مبنای کتاب خدا حکم شود ما سزاوارترین مردم به آن هستیم و اگر بر مبنای سنت رسول (ص) حکم شود باز هم ما سزاوارترین و نزدیک‌ترین کسان هستیم. حقی که شما بر من دارید عمل به کتاب خدا و سیره رسول (ص) است و قیام به احقاق حق آن بزرگ و بزرگداشت سنت اوست»^۲.

حضرت در بیان دیگری اعلام می‌کند که انگیزه‌اش در پذیرفتن خلافت اجرای قوانین الهی و اجرای احکام قرآن و سنت پیامبر است و اگر جز این باشد هیچ میل و رغبتی به زمامداری ندارد:

«به خدا سوگند که من کوچک‌ترین علاقه و دلبستگی به زمامداری نداشتم. این شما بودید که مرا بدان خواندید و با اصرار بر کرسی خلافت نشانید و چون خلافت به من رسید از کتاب خدا و دستورهای آن که به ما فرمان داده تا بر اساس آن قضاوت کنیم، پیروی کردم و به سنت پیامبر اقتدا نمودم»^۳.

امام راحل (ره) در این باره می‌فرماید:

در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند یک چیز است؛ پیامبر اکرم (ص) هم به همان عمل کرده است؛ خلفای او هم به همان عمل می‌کردند؛ حالا هم ما موظفیم به همان عمل کنیم. قانون حکومت

۱ - «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ». سوره نساء (۴) آیه ۵۹.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵ و ۱۶۸.

۳ - «والله ما كانت لي في الخلافة رغبة ولا في الولاية...». نهج البلاغه، خ ۱۹۶.

می‌کند. شخص هیچ حکومتی ندارد، آن شخص و لو رسول خدا باشد و لو خلیفه رسول خدا باشد. شخص مطرح نیست در اسلام، در اسلام قانون است. همه تابع قانون اند و قانون هم خداست... قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل کنیم»^۱.

پیشگامی مسئولان در عمل به قانون

از بهترین شیوه‌های ایجاد روحیهٔ قانونمداری در مردم این است که مسئولان و مجریان قانون و کارکنان نظام، خود پای‌بند قانون باشند و قوانین و مقررات اداری، اجتماعی را به طور کامل رعایت کنند؛ زیرا زبان کردار گویاتر از زبان گفتار است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«ای مردم! به خدا سوگند که من هرگز شما را به هیچ طاعتی وادار نکردم مگر آنکه خود در عمل به آن پیشتانز بودم و از هیچ گناهی منع نکردم مگر آنکه پیش از شما خویشان را از آن باز داشتم»^۲.

حضرت در سخن دیگری می‌فرماید:

«کسی که مسئولیت رهبری مردم را به عهده می‌گیرد [اعم از رهبری جامعه یا سازمان یا اداره و...] باید پیش از آموزش و تربیت دیگران به آموزش و تربیت خویشان بپردازد و پیش از آنکه با زبان دیگران را ادب کند باید با رفتار و کردارش آنان را ادب کند. آن کسی که به تربیت و آموزش خود پرداخته به احترام سزاوارتر است از آن که به

۱ - صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۲.

۲ - «آیها الناس آئی واللّه ما احثکم علی طاعة...». نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴.

تربیت و آموزش دیگران مشغول است».^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«مردم را به غیر زبان‌تان به حق و اجرای قانون دعوت کنید [با زبان کردار نه زبان گفتار] باید مردم در رفتار شما پارسایی، کوشش، نماز و نیکی را مشاهده کنند که این خود وسیله دعوت است».^۲

فقیه نامدار، شیخ طوسی (ره) در این باره نوشته است: «فرمان به نیکی‌ها با دست (عمل) و زبان است، اما با دست آن است که شخص خود به گونه‌ای نیکی‌ها را انجام دهد و از بدی‌ها دوری جوید که مردم از او پیروی کنند».^۳

فقیه عالی قدر شیعه، شیخ محمدحسن نجفی، صاحب الجواهر نوشته است: «آری از بزرگ‌ترین، استوارترین و مؤثرترین راه‌های برقراری نیکی‌ها و از بین بردن بدی‌ها - به ویژه نسبت به رهبران دینی - آن است که خود جامعه نیکی‌ها را به تن کنند و جامعه بدی‌ها را از تن درآورند. خود را با اخلاق نیکو بیارایند و از اخلاق زشت بپیرانند؛ زیرا کردار آنان باعث می‌شود که مردم به نیکی‌ها روی آورند (به قانون پای بند شوند) و از بدی‌ها روی بگردانند، به ویژه آنکه این کار با پندهای نیکو و امیدوار کننده و بیم دهنده همراه شود که هر سخن را جایی و هر دردی را دوایی است. درمان روان بسیار دشوارتر از درمان تن است».^۴

همه در برابر قانون برابرند

از نگاه اسلام همه انسان‌ها در برابر قانون برابرند و قانون باید نسبت به

۱ - همان، حکمت ۷۰.

۲ - «کونوا دعاة للناس بغير السننکم لیروا منکم...». وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹.

۳ - النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، ص ۲۹۹.

۴ - جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۸۲.

همگان از مسلمان و کافر ذمی، آشنا و بیگانه به طور یکسان اجرا شود.

این اصل از مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام است و اولیای اسلام یعنی پیامبر و امامان معصوم (ع) به آن عمل کردند. لیکن - متأسفانه - مسلمانان برای عمل کردن به این اصل، آن چنانکه باید اهتمام نورزیده‌اند.

حضرت علی (ع) به خلیفه دوم فرمود:

«سه چیز است اگر آن‌ها را پاس داری و بدان‌ها جامه عمل پوشانی تو را کفایت می‌کند و به چیزی نیازمند نیستی و اگر ترک کنی عمل‌های دیگر تو سودی نخواهد داشت. پرسید: ای ابوالحسن آن سه کدام است؟ فرمود: اجرای حدود (قانون حد) در مورد بستگان و بیگانگان، حکم کردن طبق کتاب خدا در حال خشنودی و خشم، تقسیم عادلانه بیت المال میان سرخ پوست و سیاه پوست. گفت: قَسَم به خدایی که مرا جان عطا کرده سخن مختصر و رسایی گفتی»^۱

امام صادق (ع) از علی (ع) نقل می‌کند که مرد مسلمانی زمینی از زمین‌های خراج (که مسلمانان با غلبه به دست آورده‌اند) را خرید. علی (ع) فرمود: سود و زیان او و سود و زیان ما یکی است، خواه مسلمان باشد و خواه کافر. هر سود و زبانی به خدا پرستان رسد، به او هم خواهد رسید.^۲

از این سخنان استفاده می‌شود که قانون باید درباره کافر و مسلمان یکسان اجرا شود و هیچ تبعیضی در اجرای قانون روا نیست.

علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

«قانون را در مورد تمامی کسانی که سزاوار آن است - از نزدیک و دور خویش و بیگانه - اجرا کن و در اجرای آن به امید اجرای حق

۱ - وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۶.

۲ - وافی، ج ۳، ص ۱۳۳.

استوار باش، اگرچه در اجرای قانون (حق) به نزدیکان و دوستانت ضرر و صدمه‌ای وارد شود، و این‌گونه رفتار گرچه بر تو سخت و سنگین است، ولی پایان و نتیجه آن را باید نگریست که عاقبتی نیکو دارد»^۱.

پیروی از بالا دست در ادارات در محدوده قانون

چنان که گذشت، اصل قانون‌مداری در نظام اسلامی اصلی ثابت و خدشه‌ناپذیر است و هیچ کس به هیچ بهانه‌ای حق ندارد قانون‌شکنی کرده یا در اجرای قانون کوتاهی کند. اما اگر دستور بالا دست بر خلاف قانون باشد اجرای آن لازم نیست و باید در برابر آن ایستادگی کرد.^۲

حضرت علی (ع) آنگاه که مالک اشتر را به فرمانداری مصر برگزید، خطاب به مردم آن شهر نوشت:

«سخنش را بشنوید و فرمانش را در آنجا که همگام با حق است، اطاعت کنید».^۳

و در سخن دیگری می‌فرماید:

«از دستورهای من تا آنجا که در قلمرو اطاعت خداست فرمان برید، چه از آن خوشتان آید و چه برای شما ناخوشایند باشد، و هر آنچه که خارج از چهارچوب اطاعت خدا (قانون) بود و مخالفت فرمان الهی باشد بر هیچ کس اجرای دستور در گناه و معصیت جایز نیست، چه دستور دهنده من باشم یا غیر من. اطاعت فقط در معروف (قانون)

۱ - «و الزم الحق من لزمه...». نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲ - اخلاق کارکنان، ص ۸۷.

۳ - فاسمعوا و اطیعوا امره فیما طابق الحق». نهج البلاغه، نامه ۳۸.

است و این جمله را سه بار تکرار کرد»^۱.

انضباط داشتن و پرهیز از سلیقه‌گرایی

بی‌انضباطی‌های اداری و سلیقه‌گرایی در عمل به قانون، شاخه‌های گوناگونی دارد. از تأخیر و غیبت و سوء استفاده از مرخصی استعلاجی، کم‌کاری و رفتارهای نسنجیده و ناپسند و قانون را از پیش خود تفسیر کردن و مصادره آن به نفع شخصی و سرپیچی از دستورهای سرپرست سازمان و مشاجره و منازعه در محیط کار و سخن چینی و بدگویی و بدفهمی نسبت به قانون و چاپلوسی و تملق و ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع و تهمت و افترا نسبت به همکاران و تبعیض و بی‌عدالتی در اجرای قانون گرفته تا کارشکنی و شایعه پراکنی در نپذیرفتن مقررات و تکبر و تفاخر، عُجب و خودپسندی و ریاست طلبی، افزون طلبی و منت نهادن و رعایت نکردن حجاب اسلامی در محیط کار و... بخشی از مشکلات انضباطی و رعایت نکردن نظم و قانونمداری می‌باشد.

تقلب و نادرستی و رشوه‌خواری و اختلاس و افشای اسرار و اسناد محرمانه و گواهی یا گزارش خلاف واقع و نیز امتیاز دادن بر خلاف ضوابط و تفسیر قانون به سلیقه خود و مسامحه و سهل‌انگاری در انجام وظیفه و سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری و حیف و میل بیت‌المال و خیانت در آن و تقدم رابطه بر ضابطه از مشکلات محیط کار و ادارات است که از عدم پای‌بندی به قانون و عدم وجدان کاری و سلیقه‌گرایی و طایفه‌گری و باند

بازی سرچشمه می‌گیرد.

باید ریشه این ناروایی‌های اخلاقی و ضد ارزشی با فرهنگ‌سازی و ایمان درست نسبت به کار و تقویت باورهای دینی خشکانده شود. باید مردم را با دلیل‌های محکم و روشن و زبانی نرم و ملایم به راه خدا و عمل به حق و قانون دعوت کرد و اگر برای قانع کردن برخی نیاز به بحث و گفتگو بود از سخنان نیکو استفاده کرد تا تن دادن به قانون و رعایت عدالت در اجرای حدود و ضوابط و پرهیز از تفسیرهای ناروا و تبعیض‌آمیز از قانون، به فرهنگ عمومی تبدیل شود. نیز می‌توان از راه نظارت همگانی آشکار یا پنهان با قانون‌گریزان یا توجیه‌کنندگان خودمحور و سلیقه‌گرا مبارزه کرد، لذا در قرآن می‌فرماید:

«شما بهترین گروهی هستید که برای مردمان پدید آمده‌اند که به نیکی فرمان می‌دهید و از ناشایست باز می‌دارید و به خداوند ایمان دارید»^۱.

نقش اساسی نظارت همگانی در جلوگیری از بی‌انضباطی و سلیقه‌گرایی، غیر قابل انکار است:
پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«گروهی در دریا سوار کشتی می‌شوند و جایگاه‌های کشتی را تقسیم کرده هر یک در جای خود می‌نشینند. یکی از مسافران با تبری کشتی را سوراخ می‌کند. دیگر مسافران می‌پرسند: چه می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد: این مکان از آن من است و هر کاری که مایل باشم در آن انجام می‌دهم! اگر مسافران حاضر دست‌های او را بگیرند او و خودش را نجات داده‌اند و اگر مانع نشوند او و خودش را به نابودی

۱ - «کنتم خیر امة اخرجت للناس...». سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۴، ۱۱۰.

کشاندهاند»^۱

آنان که در جوامع بزرگ (اجتماع انسانی) یا جوامع کوچک (محیط اداری و سازمانی) با متخلفان و قانونشکنان به شیوه احسن برخورد کرده و آنان را مقید به رعایت ضوابط قانونی می‌کنند، هم متخلفان را نجات داده‌اند، هم اجتماع کوچک و بزرگ انسانی و اداری را. در نتیجه، نفع آن به همه خواهد رسید.

۱ - تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، یا مجموعه ورام ابن ابی فراس، ج ۲، ص ۲۹۴.

منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. نهج البلاغه، سید علی نقی فیض الاسلام، ۱۳۵۱ش؛
۳. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ترجمه علامه مصطفوی، قم، مطبعة اعتماد، طبع ششم، ۱۴۲۹ق؛
۴. اخلاق کارکنان، یعقوبعلی برجی، مرکز مطالعات و تحقیقات؛
۵. ارشاد مفید، محمد بن نعمان تلعبیری، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛
۶. اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ابن اثیر، بیروت، دارالفکر؛
۷. الحیة، برادران حکیمی، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، چاپ هفتم، ۱۳۸۳؛
۸. النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، قم، انتشارات قدس محمدی؛
۹. الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، اصفهان، مکتبة امیرالمؤمنین، ۱۳۶۸ش؛
۱۰. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دارالاحیاء التراث، طبع دوم، ۱۴۰۳ق؛
۱۱. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، بیروت، دارالمرتضی، طبع اول، ۱۴۲۸ق؛
۱۲. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ق؛
۱۳. تفسیر مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق؛
۱۴. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۹؛
۱۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، وژام بن ابی فراس، اعلمی، بیروت؛

۱۶. جامع الاخبار، تاج‌الدین محمد بن حیدر شعیری، قم، رضی، ۱۳۶۳؛
۱۷. جامعه شناسی کار و شغل، دکتر غلامعباس توسلی، تهران، سازمان سمت، چاپ دهم، ۱۳۷۵؛
۱۸. چکیده‌اندیشه‌ها، سید یحیی برقعی، تهران، مجمع ذخایر اسلامی، چاپ ۲۱، ۱۳۴۱؛
۱۹. دروس فی الاقتصاد السياسی، سید علی حسن مطر هاشمی، ناظرین، چاپ اول، ۱۳۸۴؛
۲۰. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، بیروت؛
۲۱. صحیفه نور، امام خمینی (ره)، رهنمودهای امام، تهران، سازمان مدارک فرهنگی اسلامی، ۱۳۷۰ش؛
۲۲. غررالحکم، آمدی، ۳ جلدی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول؛
۲۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالاضواء، طبع اول، ۱۴۱۳ق؛
۲۴. کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق؛
۲۵. کیمیای کار، حبیب... تقیان، قم، انتشارات حسنین، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۹؛
۲۶. گلشن ابرار، قم، نور السجاد (ع)، ۱۳۸۷؛
۲۷. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، انتشارات اهل البيت، ۱۸ جلدی؛
۲۸. مشکاة الانوار، طبرسی، قم، ۲ جلدی، انتشارات آل البيت لاحیاء التراث؛
۲۹. معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق نذیم مرعشلی، تهران، مکتبه الاحیاء الآثار الجعفریه؛
۳۰. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛
۳۱. وسایل الشیعہ، شیخ حرّ عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰ جلدی، چاپ چهارم.